

تحلیل میزان دلبستگی نوجوانان از محیط‌های عمومی شهری با تأکید بر ظرفیت اجتماعات محلی (اجتماعی - مکانی)^۱

مجتبی رفیعیان^{۱*}، زهرا خدائی^۲، هاشم داداش‌پور^۳، علی‌اکبر تقوایی^۴

- ۱- دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
- ۲- دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
- ۳- دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
- ۴- دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

دریافت: ۹۴/۳/۲۱

پذیرش: ۹۴/۶/۲۶

چکیده

مکان علاوه بر بعد مادی، از بعد غیرمادی نیز برخوردار بوده و احساساتی در ساکنان خود ایجاد می‌کند. به واسطه این احساسات نوعی دلبستگی به مکان در افراد ایجاد شده که منجر به شکل‌گیری هویت مکانی می‌شود. هدف اصلی این پژوهش تبیین دلبستگی به مکان در نوجوانان ساکن در محله‌های منتخبی از شهر تهران است. این حس دلبستگی مکانی بر ظرفیت اجتماعی با تأکید بر سرمایه اجتماعی و ظرفیت مکانی با تأکید بر کیفیت محیط سکونت تأثیر می‌گذارد که در این فرآیند تحلیل می‌شود، همچنین کاربرد مدل‌های ساختاری (به دلیل چند بعدی بودن ابعاد بررسی و وجود متغیرهای مکنون) در حوزه مطالعات شهری معرفی می‌شود.

در این تحقیق تحلیلی و همبستگی، نمونه‌ای ۴۷۵ نفری از نوجوانان محله‌های مناطق ۱۷، ۱۰، ۸، ۱ شهر تهران که به روش طبقه‌ای سیستماتیک انتخاب شده بودند، گردآوری شد. هر یک از متغیرهای پنج‌گانه تحقیق شامل ظرفیت اجتماعی، ظرفیت مکانی، امنیت اجتماعی، دسترسی به خدمات و خاستگاه اقتصادی - اجتماعی با استفاده از روش «مدل‌سازی معادلات ساختاری» و تکنیک «تحلیل مسیر» مورد بررسی قرار گرفت. سپس سه مدل از چگونگی روابط متفاوت میان متغیرها تهیه شد که نتایج آن‌ها نشان می‌دهد مدل تأثیرگذاری حس دلبستگی به مکان در میان نوجوانان، از طریق متغیرهای ظرفیت مکانی و دسترسی به خدمات بهتر از دیگر روابط را آشکار می‌کند. بیشترین اثر علی را بر متغیر دلبستگی به مکان داشته و در مجموع ۷۳ درصد از واریانس آن را تبیین می‌کنند. بر مبنای یافته‌های پژوهش هر

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری مؤلف اول در رشته شهرسازی با عنوان «تبیین ظرفیت‌های اجتماعی مکانی محیط‌های عمومی شهری از منظر گروه نوجوان در شهر تهران» است که به راهنمایی مؤلف دوم و سوم در دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس در حال انجام است.

E-mail: rafiei_m@modares.ac.ir

* نویسنده مسئول مقاله:



چهار متغیر اصلی تحقیق یعنی: «ظرفیت مکانی»، «ظرفیت اجتماعی»، «دسترسی به خدمات»، «امنیت اجتماعی» و متغیر جانبی «خاستگاه اقتصادی- اجتماعی» با متغیر وابسته «میزان دل‌بستگی به مکان» رابطه معنی‌داری داشته‌اند ($p < .01$) و این نتایج با ضریب اطمینان ۹۹ درصد قابلیت تعمیم به نوجوانان ساکن در محله‌های منتخب است.

واژگان کلیدی: دسترسی به خدمات، دل‌بستگی به مکان، شهر تهران، ظرفیت اجتماعی و مکانی، نوجوانان.

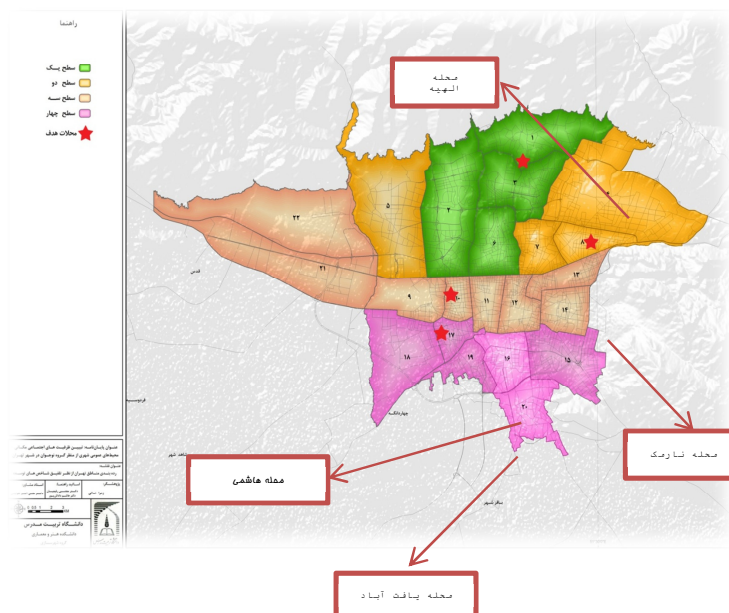
۱- مقدمه

در چند دهه اخیر، با تغییرات شگرف در شیوه زندگی و دگرگونی در مناسبات اجتماعی و توسعه کالبدی اجتماعات محلی^۱، بنیان هویتی سنتی محله‌ها تغییر یافت و مناسبات جدیدی جایگزین آن شد. نوجوانان به‌عنوان گروهی که نسبت به این سنت‌ها بیگانه‌تر هستند، بیشترین تأثیر را از مناسبات جدید دریافت می‌کنند. در این میان حس دل‌بستگی به مکان که به‌عنوان یکی از بنیان‌های هویتی جدید تلقی می‌شود، تابعی است از ظرفیت اجتماعات محله‌ای که مجموعه‌ای مرکب از فعالیت‌ها و تعاملات اجتماعی، کارکردها و عناصر کالبدی شاخص و همچنین فضاها یا عرصه‌های عمومی را دربر می‌گیرد. این ظرفیت مبتنی بر استفاده هم‌زمان سرمایه‌های اجتماعی و کالبدی محله‌های شهری است. در این میان فقدان و یا کاهش این ظرفیت‌ها منجر به از دست رفتن حس دل‌بستگی و تعلق در محله‌های شهری شده است (خدائی، ۱۳۹۴).

مسئله‌ای که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته تأثیر ظرفیت اجتماعات محلی (اجتماعی- مکانی) بر میزان دل‌بستگی نوجوانان از محیط‌های عمومی شهری است، و دوم این که آیا دل‌بستگی نوجوانان از محیط‌های عمومی شهری تابعی از امنیت اجتماعی، دسترسی به خدمات و خاستگاه اقتصادی- اجتماعی است؟ و در نهایت، آیا میان این چهار متغیر ارتباط وجود دارد و کدامیک از آن‌ها بر دیگری اثرگذار هستند؟. در این راستا از روش‌های مدل‌سازی معادلات ساختاری بهره گرفته شده است. روشن‌شدن ماهیت این روابط به برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیران محلی کمک می‌کند تا تصمیمات بهتری برای بهبود این چهار متغیر اتخاذ کنند.

برای تعیین محلات منتخب نیز در ابتدا با مشخص کردن شاخص‌های اثرگذار بر موضوع تحقیق که دربرگیرنده معیارهایی چون ۱- دسترسی به خدمات شهری، ۲- وجود پارک‌ها و

فضای سبز شهری، ۳- تراکم جمعیت نوجوانان (۱۲-۱۶ ساله)، ۴- تراکم خانوار در واحد مسکونی، ۵- کیفیت ابنیه، ۶- اندازه قطعات مسکونی، ۷- کاربری‌های ناسازگار با بافت مسکونی، ۸- امنیت اجتماعی و ۹- کیفیت محیط شهری بود، پرسش‌نامه‌ای تدوین و میان ۱۵ نفر از متخصصان امور شهری و سایر دست‌اندرکاران مرتبط با مسائل نوجوانان توزیع شد، و از آنان خواسته شد تا به شاخص‌های مورد نظر امتیاز دهند. سپس پرسش‌نامه‌ها در نرم‌افزار EXPERT CHOISE وارد شده و وزن هر شاخص به‌دست آمد. پرسش‌نامه‌های با خطای بالا حذف شد. از بین پرسش‌نامه‌های باقی‌مانده میانگین وزن شاخص‌ها محاسبه شد. پس از محاسبه میزان ناسازگاری ماتریس، این مقدار برابر $0/07$ به‌دست آمد که با توجه به بیشینه قابل قبول برای میزان ناسازگاری ماتریس (عدد $0/1$) نتیجه به‌دست‌آمده قابل قبول است. در مرحله بعد، لایه‌های مختلف اطلاعاتی مربوط به شاخص‌ها در محیط سیستم اطلاعات جغرافیایی^۱ تهیه و وضعیت هر محله در این لایه‌ها مشخص گردید و وزن هر شاخص در لایه مربوطه اعمال شد: برای نمونه اعمال وزن کیفیت بنا به لایه کیفیت بنا و ... [در واقع وزن هر شاخص را ضرب در مقادیر موجود در لایه اطلاعاتی نموده تا ضرایبی به‌دست آید]. این ضرایب با توجه به داده‌های محلات مناطق ۲۲گانه تهران با روی هم‌گذاری شاخص‌ها به خروجی مدل تبدیل شد و محلات براساس وزن به‌دست‌آمده مرتب شدند و در نهایت در هر یک از سطوح چهارگانه، محله‌ای که بالاترین میزان امتیاز را کسب کرده بود، شناسایی شد. با توجه به خروجی نقشه تدقیق گردید. در این میان «محله الهیه» از پهنه اول در منطقه یک، «محله نارمک» از پهنه دوم در منطقه ۸، «محله هاشمی» از پهنه سوم در منطقه ۱۰ و «محله یافت‌آباد» از پهنه چهارم در منطقه ۱۷ محله‌هایی بودند که به‌طور نسبی بیشترین امتیاز را به‌دست آورده و در نهایت به‌عنوان محله‌های هدف انتخاب شدند.



نقشه ۱ پهنه‌بندی مناطق تهران و تعیین محلات منتخب

۲- مبانی نظری

۱-۲- دل‌بستگی به مکان

مطالعات در زمینه دل‌بستگی برای نخستین بار در ارتباط بین کادر درمان و کودک و این‌که چگونه کودکان در فرایند درمان، اعتماد خود را به کادر درمان توسعه می‌دهند، مورد بررسی قرار گرفت (دانشپور و دیگران، ۱۳۸۸:۳۸). دل‌بستگی به مکان در واقع پدیده پیچیده و چند وجهی است که شامل جنبه‌های مختلفی از پیوند مردم-مکان چون رفتار، احساس و آگاهی که عناصر اصلی آن را تشکیل می‌دهند، است، و دربرگیرنده احساس و تأثیرات، عقاید و باورها و رفتار و فعالیت در رابطه با مکان است (آلتمن^۱ و لو^۲، ۱۹۹۲؛ پروشانسکی^۳ و همکاران، ۱۹۸۳). اصطلاح دل‌بستگی به مکان، اشاره به علقه‌ها یا پیوندهای عاطفی مردم به یک مکان خاص دارد و دربرگیرنده محله‌ای است که در آن زندگی می‌کنند. دل‌بستگی به مکان عموماً به‌عنوان اثرات مثبت از سوی

1. Altman
2. Low
3. Proshansky

افراد و همسایگان در نظر گرفته می‌شود. برای افراد دلبستگی به مکان، امنیت، دسترسی به شبکه‌های اجتماعی و حس هویت را به همراه دارد. برای محله و همسایگان منجر به پیدایش محیط‌هایی منسجم و باثبات می‌شود که مردم در آن نقش فعالی را ایفا می‌کنند؛ بنابراین دلبستگی به مکان نقطه عطفی برای سیاست‌گذاران است تا بتوانند اجتماعات پایدار را ایجاد کرده و آن را ارتقاء دهند (لیوینگستون^۱ و همکاران، ۲۰۰۸:۵). مردم پیوندهای عاطفی خود را با مکان گسترش می‌دهند که این امر منجر به رضایت خاطر آنان شده به‌طوری که مکان اجازه کنترل، پرورش خلایق، امنیت و آرامش و فراهم کردن قلمرو شخصی را ایجاد می‌کند (آلتمن و لو، ۱۹۹۲). با این حال پیوندها نیز مستلزم ارزیابی و تمایز بیشتر در رابطه با جنبه‌هایی از معیارهای عینی مانند طول مدت اقامت و مشارکت در ناحیه محلی و شبکه‌های اجتماعی است؛ بنابراین دلبستگی مردم را نیز دخیل می‌کند، زیرا ارتباطات اجتماعی یک مکان به طور جداناپذیری وابسته به فرایند دلبستگی است. این اجماع نظر از سوی آلتمن و لو (۱۹۹۲:۷) به این مهم ختم شد که «... دلبستگی در ساختار فیزیکی مکان، همچنین عمده‌تاً در معنا و تجربه در مکان که اغلب روابط میان مردم با یکدیگر را شامل می‌شود، وابسته است».

روش جدید در برآورد شاخص‌های ذهنی ابعاد کالبدی مکان، ادراک کیفیت سکونت‌گاهی محیط^۲ است که برای نخستین بار توسط محققان ایتالیایی (بونایوتو^۳، فورنارا^۴ و بونس^۵، ۲۰۰۳). پیشنهاد شد که در آن بخش زیادی از شاخص‌های کالبدی مانند ادراک زیبایی‌شناختی ساختمان، حجم و تراکم ساختمان، میزان فضای سبز، دسترسی به انواع متنوعی از خدمات، مکان زندگی و نگهداری با یکدیگر ترکیب می‌شوند که در ارتباط با سنجش دلبستگی به مکان بسیار گسترده بوده است. در تحقیقات گسترده نقش شاخص‌های اجتماعی (تقویت پیوندهای اجتماعی) در دلبستگی به مکان بسیار بالا بوده است، اما شاخص‌های کالبدی نیز از ارزش بالایی برخوردار بوده و در برخی موارد بالاترین واریانس دلبستگی متأثر از این شاخص‌ها بوده است. برای نمونه فراید^۶ (۱۹۸۲) در مطالعه گسترده‌ای میان ۴۲ شهرداری در آمریکا به این نتیجه رسید که رضایت

1. Livingston

2. Perceived Residential Environment Quality (REFQ)

3. Bonaiuto

4. Fornara

5. Bonnes

6. Fried



سکونت‌گاهی از طریق ویژگی‌های کالبدی (عینی) نسبت به فاکتورهای اجتماعی بهتر پیش‌بینی شد. شاخص‌های کالبدی نیز ارتباطات اجتماعی را تسهیل کرده و بر دلبستگی به مکان به طور غیرمستقیم اثر می‌گذارند، به گونه‌ایی که تغییرات در محیط کالبدی، انواع کاربری‌ها و فعالیت‌های خیابانی می‌تواند به پاک شدن آنچه که در اجتماع محلی دارای معنا و هویت بوده، بیانجامد. فقدان معنا در مکان به طور معکوسی بر حس مکان و هویت تأثیر می‌گذارد. در شرایط کلی تضعیف حس مکان از طریق جهانی‌شدن اقتصاد، تولیدات همسان و محیط‌های عمومی شهری با اتصالات اندک به چشم‌اندازهای محلی، اکوسیستم، تاریخ، فرهنگ تسهیل شده است. تجارب نشان داده است ساکنانی که دلبستگی بیشتری به مکان دارند اغلب مسن‌تر بوده و زمان بیشتری را در محله سپری کرده‌اند. مالکیت مسکن نیز به‌عنوان سرمایه‌ای است که هم کیفیت محله و نیز دلبستگی به مکان را نشان می‌دهد (کمالی‌پور، ۱۳۹۱: ۲۰۱۲-۴۶۲). شاخص‌های ارزیابی رابطه انسان و مکان تحت تأثیر نگاه محققان متغیر بوده است. الگوی مورد نظر این مقاله در ارزیابی حس دلبستگی به مکان سه شاخص هویت مکان، وابستگی به مکان و پیوندهای اجتماعی مطابق جدول شماره ۱ است.

جدول ۱ الگوی ارزیابی دلبستگی به مکان

بستر	شاخص	تعاریف	ادبیات مربوطه
فردی	هویت مکان	آمیزه‌ای از احساسات درباره مکان کالبدی خاص و پیوندهای نمادین به مکان که مشخص می‌کند ما که هستیم.	Proshansky et al., 1983; Williams et al., 1992; Williams & Vaske, 2003
	وابستگی مکان	پیوندهای کارکردی با تأکید بر پیوندهای کالبدی فردی به محیط؛ به عنوان مثال بازتاب‌دهنده وضعیتی است که در آن محیط کالبدی، شرایطی برای حمایت از کاربری مورد نظر را فراهم کند.	Schreyer et al., 1981; Williams et al., 1992; Williams & Vaske, 2003
اجتماعی	پیوندهای اجتماعی	حس تعلق یا عضویت با گروهی از مردم مانند گروه دوستی یا خانوادگی و نیز پیوندهای احساسی براساس تاریخ، منافع و دغدغه‌های مشترک	Kasarda & Janowitz, 1974; Perkins & Long, 2002; Hidalgo & Hernandez, 2001; Stedman et al., 2004; Kyle & Chick, 2007; Sampson & Goodrich, 2009; Trentelman, 2009;

(منبع: نگارندگان)

تحقیقات علمی در رابطه با نحوه تعامل فرد با مکان نشان می‌دهد افراد و گروه‌های مختلف دارای شیوه‌های ادراک و شناخت متفاوتی هستند. به بیان دیگر فرایند ادراک و شناخت به گونه‌های مختلف سازمان می‌یابد. تنوع قابل ملاحظه شیوه‌های ادراک و شناخت را برخی معلول چندگانگی طبیعت انسان و برخی دیگر معلول تجارب متفاوت افراد و گروهی دیگر معلول هر دو می‌دانند. در این میان مکاتب مختلف سعی کرده‌اند تا چگونگی ادراک انسان از رفتارش در محیط یا از محیط را توضیح دهند. رویکرد اپیلیارد به ادراک محیط شامل «ادراک عملیاتی»، «ادراک استنباطی» و «ادراک عاطفی» است که در ارتباط با ادراک فرد در محیط انسان‌ساخت قابل توجه است. در واقع ویژگی‌های محیط ساخته‌شده در نظامی مشخص با ادراک کاربران در محیط و شکل‌گیری سامانه‌های رفتاری در محیط قرار دارد و مبین این امر است که امکان تجربه و دریافت محیط در مکان انسان‌ساخت به مثابه قابلیت محیط بر چگونگی نظام‌های فعالیت و سامانه‌های رفتاری در محیط مؤثر است. بدین‌صورت که افراد براساس مشخصه‌های فردی، نیات، تمایلات، تجارب فرهنگی و زمینه‌های جمعی‌شان، نسبت به محیط قضاوت و آن را مورد شناسایی قرار می‌دهند و ویژگی‌های محیط انسان‌ساخت را ادراک می‌کنند تا واکنش‌ها و الگوهای رفتاری‌شان نسبت به محیط شکل گیرد.

نکته حائز اهمیت در رشد ادراکی نوجوانان آن است که این رشد تقابلی از کنش و ادراک است. مکان دارای ارتباط دوسویه با نوجوان در رابطه با رفتار او است. برای این‌که نوجوان، مکان خاصی را به لحاظ ارزشی به دیگر مکان‌ها ترجیح دهد، این مکان باید خواست‌ها و نیازهایش را ارضاء کند و بین کنش و ویژگی‌های محیطی مربوطه تناسب ایجاد شود. در این حالت او برای ارضای نیازهای خود با محیط تعامل می‌کند. هنگامی که زمینه‌های این ظرفیت تقویت شود، آنان ممکن است نسبت به مکان احساسات عاطفی شدیدی نشان دهند. موضوع مهم برای مفهوم‌سازی تعامل با مکان در دوران نوجوانی این است که نوجوانان با مکان‌هایی روابط عاطفی مطلوبی ایجاد می‌کنند که خواست‌ها و نیازهای آن‌ها در فرایند رشدشان برآورده شود. محیط‌های دوست‌دار نوجوان، پیوندی پر محبت و تأثیرگذار میان نوجوان و مکان است که به‌صورت‌های متفاوتی ابراز می‌شود و دربرگیرنده پیوندهای زیبایی‌شناختی، حسی و عاطفی با مکان است. این پیوندها منجر به حس تعلق به مکان، یاد دادن و یادگرفتن از محیط، تقویت اعتماد به نفس و شناخت نوجوان از ظرفیت‌های خود و مکان می‌شود.



۲-۲- ظرفیت اجتماعات محلی

ظرفیت اجتماعات محلی بر اعتقاد به کشف دارایی‌ها و ظرفیت‌های بالقوه در هر اجتماعی بوده و متأثر از تعهدات یک اجتماع، منابع و مهارت‌هایی است که می‌تواند به‌کارگرفته شود تا نقاط قوت اجتماعات محلی ایجاد شده و مشکلات و فرصت‌های آن تعیین شود. از آن‌جا که این رویکرد براساس دارایی‌ها و ظرفیت‌های موجود در اجتماعات محلی است، داشتن نگاه از پایین‌گریزناپذیر به نظر می‌رسد. محققان بر این باورند که ظرفیت اجتماعات می‌تواند به‌عنوان ابزاری جهت حمایت از ارتباط میان مسائل مرتبط با ساختارهای پیش‌روی اجتماعی و انسانی، ابزار اجتماعی برنامه‌ریزی و ابزاری جهت توان‌مندسازی باشد. نکته کلیدی دیگر آن است که مشخصاً برخی فرایند ظرفیت‌سازی اجتماعات محلی را در تغییرات سیستمی و ساختاری وسیع‌تری در نظر می‌گیرند؛ در حالی که از نظر برخی دیگر این مفهوم در مورد تغییرات سیستمی گسترده‌تر نیست و تغییرات مربوط به آن در سطح سیستم «اجتماعات محلی» قابل اجراست.

ظرفیت اجتماعات محلی بیشتر در تلاش جهت جبران خسارت، ارتقاء سلامت، بهبود زندگی شهری و اجتماعی و تقویت اهداف تغییرات اجتماعی است و مرتبط با مجموعه‌ای از تکنیک‌ها و عملکردها به طرق مختلف با مفاهیمی مانند سرمایه اجتماعی، توان‌مندسازی اجتماعات محلی، برنامه‌ریزی اجتماعی دارایی مبنای مشارکت اجتماعی است (وریتی^۱، ۲۰۰۷: ۱۰). به‌کار گرفتن ظرفیت‌های موجود در اجتماعات محلی مزایای یادشده در زیر را به دنبال دارد که عبارتند از: ۱- توان‌مندسازی افراد و گروه‌ها در اجتماعات محلی مشخص، ۲- توسعه مهارت‌ها، دانش و اطمینان، ۳- افزایش پیوندهای اجتماعی و ارتباطات، ۴- توزیع خدمات تأثیرگذار و سیاست‌های مبتنی بر نیازهای اجتماعات محلی و راه‌حل‌های آن، ۵- مباحثات و گفت‌و شنوهای گروه‌ها در اجتماعات محلی، ۶- مشارکت و درگیرشدن ذی‌نفعان در اجتماعات محلی، ۷- تصمیم‌سازان تأثیرگذار و پاسخ‌گو، ۸- بسیج منابع جهت نیازهای مربوط به اجتماعات محلی، ۹- پذیرش برنامه‌هایی که منجر به توسعه اجتماعات محلی می‌شود (چاپمن^۲ و کیرت^۳، ۲۰۰۱: ۴).

1. Verity
2. Chapman
3. Kirk

عارفی (۲۰۰۸)، ظرفیت اجتماعات محلی را بر پایه مجموع دارایی‌های مالی، کالبدی و اجتماعی تلقی کرده و معتقد است سرمایه‌های مربوط به اجتماعات محلی نوعاً سرمایه اجتماعی و کالبدی را به‌طور هم‌زمان شامل می‌شود که از آن با عنوان «توسعه دارایی مبنای اجتماعات محلی»^۱ یاد می‌شود و مبتنی بر اعتقاد به کشف دارایی‌ها و ظرفیت‌ها و فرصت‌های اجتماع محلی بوده و مشتمل بر شناسایی و بهره‌برداری از تمام دارایی‌های بالقوه در محله است. دارایی‌های محله دربرگیرنده مهارت‌ها و استعدادهای افراد، ظرفیت سازمانی، ارتباطات سیاسی، ساختمان‌ها، تسهیلات و منابع مالی است. در ظرفیت‌سازی اجتماعات محلی، تجارب فراوانی از مدل‌ها و استراتژی‌های اجرایی وجود دارد که در مسائلی چون برنامه‌ریزی اجتماعی، نیازسنجی، شکل‌گیری و مشارکت و توسعه اجتماعات محلی، ایجاد سرمایه اجتماعی و انسانی به‌کار گرفته می‌شود. در این میان ظرفیت اجتماعی با تأکید بر «سرمایه اجتماعی» در قالب مؤلفه‌های اعتماد و انسجام و مشارکت اجتماعی و ظرفیت مکانی با تأکید بر «کیفیت محیط کالبدی» است که به بررسی ویژگی‌های عینی محیط مسکونی، ارزیابی ذهنی از کیفیت آن‌ها، واکنش اثرگذار بر مکان‌هایی که مردم روزانه با آن‌ها سروکار دارند و فعالیت‌هایی که در محیط‌های شهری انجام می‌شوند، اطلاق می‌شود و در برگیرنده پنج مؤلفه امکانات محلی، ویژگی‌های زیست محیطی، فعالیت‌ها و کاربری‌های مزاحم، ادراک محیط و ویژگی‌های محیط مسکونی است. در این تحقیق علاوه بر سنجش ظرفیت اجتماعی و ظرفیت مکانی بر دلبستگی به مکان از دو متغیر «دسترسی به خدمات» در بعد کالبدی و متغیر «امنیت اجتماعی» در بعد اجتماعی به‌عنوان چهار متغیر مستقل اصلی تحقیق و نیز از یک متغیر جانبی «خاستگاه اقتصادی-اجتماعی» استفاده شده است.

۳- روش تحقیق

از آنجایی که هدف پژوهش، تعیین روابط علی میان متغیر حس دلبستگی به مکان به‌عنوان متغیر مستقل و ظرفیت اجتماعی و مکانی، امنیت اجتماعی، دسترسی به خدمات و خاستگاه اقتصادی-اجتماعی به‌عنوان متغیر مستقل تحقیق است، پس تحقیق از نظر هدف، کاربردی و نحوه گردآوری اطلاعات، توصیفی و پیمایشی و از نوع، تحلیلی و هم‌بستگی و به‌طور مشخص



مبتنی بر مدل معادلات ساختاری است. برای گردآوری اطلاعات از تکنیک تکمیل پرسش‌نامه استفاده شده است. پرسش‌نامه محقق ساخته این پژوهش مبتنی بر اعتبار محتواس و چندین بار توسط استادان و صاحبان نظر و کارشناسان مورد بازبینی قرار گرفت و برای بررسی پایایی پرسش‌نامه و نیز تعیین حجم نمونه، تعداد ۳۳ پرسش‌نامه به عنوان پایلوت در محلات مورد بررسی تکمیل شد. میزان آلفای کرونباخ این پایلوت برای متغیر دل‌بستگی به مکان ۰/۷۱۰، متغیر ظرفیت مکانی با حذف سه پرسش «تا چه حد رنگ و نمای ساختمان‌های محله، مطلوب و چشم نواز است» و «چه اندازه از آلودگی هوا در محله خود احساس ناراحتی می‌کنید» و «چه اندازه از آب گرفتگی و لغزندگی معابر در محله خود احساس ناراحتی می‌کنید»، میزان آلفا به ۰/۷۴۰ رسید. متغیر ظرفیت اجتماعی با حذف پرسش «آیا در مدارس شما تاکنون طرح شهردار مدرسه پیاده شده است» میزان آلفا به ۰/۷۳۵ تغییر کرد. درخصوص متغیر امنیت اجتماعی میزان آلفا با حذف ۲ پرسش «تا چه حد والدین‌تان، شما را در بیرون از خانه کنترل می‌کنند» و «میزان مشارکت و همکاری ساکنان در حفظ امنیت محله» به ۰/۷۵۲ تغییر کرد. متغیر دسترسی به خدمات نیز با حذف دو پرسش «وجود مراکز خدماتی و رفاهی» و «وجود مراکز مذهبی»، میزان آلفا به ۰/۷۳۸ رسید. در ادامه برای تعیین حجم نمونه براساس انحراف معیار حاصله از پایلوت و فرمول کوکران با دقت ۹۵ درصد حجم نمونه برابر با رابطه (۱) است.

$$n = \frac{Nt^2 s^2}{Nd^2 + t^2 s^2}$$

$$n = \frac{(12756)(1/96)^2(3/7)}{(12756)(0/176)^2 + (1/96)^2(3/7)} = 443 \quad (1)$$

با جایگزین کردن ارقام بالا در فرمول مربوطه تعداد نمونه‌های به دست آمده برابر با ۴۴۳ نفر شد که با توجه به پراکنش جمعیتی و لزوم معرف بودن نمونه در هر محله تعداد ۳۲ نفر به حجم نمونه افزوده و از روش نمونه‌گیری ساده تصادفی استفاده شد. در نهایت ۴۷۵ پرسش‌نامه تکمیل شد، به گونه‌ای که در هر محله تعداد نمونه کمتر از ۱۰۰ نفر نبود (دواس، ۱۳۸۳: ۸۰). در جدول ۲، جمعیت و نمونه آماری در محلات چهارگانه تشریح شده است.

جدول ۲ جمعیت و نمونه آماری در محلات منتخب

محله	جمعیت		نمونه		نمونه تعدیل شده	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
الهیة	۲۳۸۴	۱۹	۸۴	۱۹	۱۰۲	۲۱/۵
نارمک	۴۵۰۵	۳۵	۱۵۵	۳۵	۱۵۴	۳۲/۴
هاشمی	۲۵۶۹	۲۰	۸۹	۲۰	۱۰۴	۲۱/۹
یافت آباد	۳۲۹۸	۲۶	۱۱۵	۲۶	۱۱۵	۲۴/۲
جمع	۱۲۷۵۶	۱۰۰	۴۴۳	۱۰۰	۴۷۵	۱۰۰

پس از تحلیل نتایج پرسش‌نامه‌ها، تأثیر ظرفیت اجتماعات محلی نوجوانان بر دل‌بستگی به مکان با استفاده از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری تحلیل شد. مدل معادلات ساختاری یک رویکرد آماری جامعی برای آزمون فرضیه‌هایی درباره روابط بین متغیرهای مشاهده شده و متغیرهای مکنون است. از طریق این رویکرد می‌توان قابل قبول بودن مدل‌های نظری را در جوامع خاص آزمون کرد و از آنجایی که بیشتر متغیرهای موجود در تحقیقات برنامه‌ریزی شهری به‌صورت مکنون یا پوشیده و پنهان است، ضرورت استفاده از این مدل‌ها روز به روز بیشتر می‌شود (پوراحمد و قاسمی، ۱۳۸۹: ۱۱). هنگامی که از الگوی معادلات ساختاری استفاده می‌شود، یک مؤلفه مهم، تحلیل ارزیابی چگونگی برازش مدل فرضیه‌ای با داده‌های مشاهده نشده است (شوماخر و لومکس، ۱۳۸۸). پژوهش‌گران معمولاً برای ارزیابی این برازش از شاخص‌های مختلفی استفاده می‌کنند که در این زمینه $CMIN/DF$ و $RMSEA$ از جمله شاخص‌های مهم است (برون^۱ و کودک^۲، ۱۹۹۳). حاصل $CMIN/DF$ هرچه کوچک‌تر باشد بیانگر برازش بهتر است و معمولاً عدد ۵ را به‌عنوان نقطه برش مورد نظر قرار می‌دهند. شاخص $RMSEA$ نیز هر چه به صفر نزدیک‌تر باشد بیانگر برازش بهتر است. معمولاً عددی بین ۰/۰۵ - ۰/۱۰ به‌عنوان نقطه برش مورد نظر قرار می‌گیرد. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم‌افزار AMOS 16 استفاده شده است.

1. Browne
2. Cudeck



۴- بحث

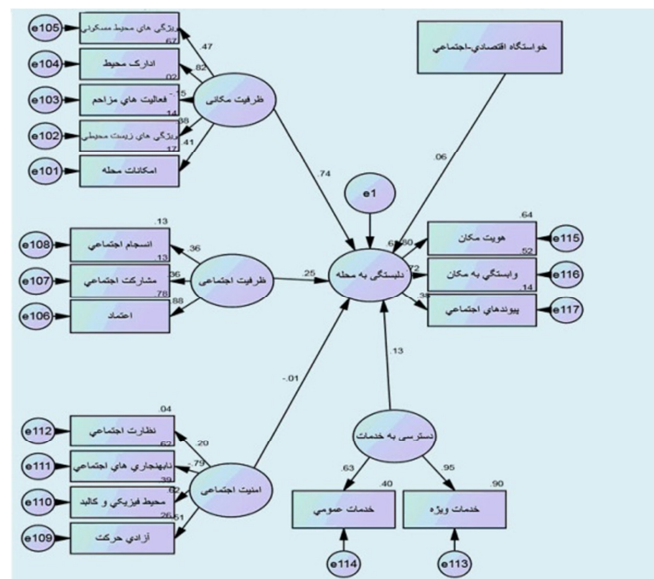
برای این‌که دریابیم مدل نظری ما تا چه اندازه با واقعیت‌های تجربی تطابق دارد، از تکنیک برازش مدل استفاده می‌کنیم. پیشتر اثر هر یک از متغیرهای مستقل را به‌طور مجزا بر متغیر وابسته بررسی شد، اما در این تکنیک تأثیر هم‌زمان این عوامل بر دل‌بستگی به مکان از دیدگاه نوجوانان سنجیده می‌شود تا یک مدل برازنده بیابیم؛ یعنی مدلی که حاکی از واقعیت‌های تجربی باشد.

نخست متغیرهای چهارگانه تحقیق با استفاده از تحلیل معادلات ساختاری مورد بررسی قرار می‌گیرند. یک مدل معادلات ساختاری از دو مؤلفه تشکیل شده است: (۱) مدل ساختاری که ساختار علی بین متغیرهای پنهان را مشخص می‌کند، (۲) مدل اندازه‌گیری که روابط بین متغیرهای پنهان و متغیرهای مشاهده شده را تعریف می‌کند.^۱ سازه‌ها یا متغیرهای پنهان و متغیرهای مشاهده شده (آشکار) دو مفهوم اساسی در تحلیل‌های آماری به‌ویژه بحث تحلیل عاملی و مدل‌یابی معادلات ساختاری هستند. متغیرهای پنهان که از آن‌ها با عنوان متغیر مکنون نیز یاد می‌شود متغیرهائی هستند که به صورت مستقیم قابل مشاهده نیستند. برای نمونه متغیر امنیت را در نظر بگیرید. امنیت فرد را نمی‌توان به‌صورت مستقیم مشاهده کرد و سنجید. برای سنجش متغیرهای پنهان از سنجه‌ها یا گویه‌هایی استفاده می‌کنند که همان سوالات پرسش‌نامه را تشکیل می‌دهند. این سنجه‌ها متغیرهای مشاهده شده هستند. مانند نظارت اجتماعی، آزادی حرکت و مواردی از این دست متغیرهای قابل مشاهده برای متغیر پنهان امنیت هستند. در ادامه به کمک تحلیل مسیر، ارتباط و وابستگی میان متغیرها بررسی می‌شود. در تحلیل مسیر، مدل اندازه‌گیری موجود نیست و فقط شامل مدل علی ساختار است که تنها بر متغیرهای مشاهده‌شده قابل انجام است و در صورت نیاز با فرض وجود متغیرهای مکنون، می‌توان از متغیرهای مشاهده شده میانگین گرفت و در قالب یک متغیر مشاهده شده بیان کرد. هدف از تحلیل مسیر، محاسبه اثر علی مستقیم و غیرمستقیم هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته یعنی میزان دل‌بستگی

۱. مدل‌سازی معادلات ساختاری یک تکنیک تحلیل چند متغیری بسیار کلی و نیرومند از خانواده رگرسیون چند متغیری و به بیان دقیق‌تر بسط «مدل خطی کلی» است که به پژوهش‌گر امکان می‌دهد مجموعه‌ای از معادلات رگرسیون را به‌گونه هم‌زمان مورد آزمون قرار دهد. این مدل را می‌توان شکل پیشرفته و پیچیده‌تر تحلیل عاملی اکتشافی دانست که در آن رابطه علی- معلولی حداقل دو متغیر که هر یک با دیگر متغیرهای آشکار اندازه‌گیری شده‌اند مورد سنجش قرار داد.

نوجوانان از محله‌های منتخب بوده است.

موارد مورد بحث این تحقیق در قالب سه مدل تبیینی به شرح زیر بررسی شده است که تمامی آن‌ها با توجه به تعاریف ارائه‌شده و تحقیقات پیشین و برای تبیین رابطه بین متغیرهای تحقیق تهیه شده است، و در تمام آن‌ها اشکال بیضی، متغیرهای مکنون (پنهان) و اشکال مستطیلی، متغیرهای مشاهده‌شده (قابل اندازه‌گیری) تحقیق هستند. در این بخش ابتدا برازش مدل را بررسی کرده و سپس به تحلیل مسیر پرداخته می‌شود. برای برازش مدل نخست اثر علی هم‌زمان متغیرها را محاسبه می‌کنیم (نمودار ۱). با توجه به نمودار ۱ شاخص‌های برازش مدل در این مرحله در جدول ۳ مشاهده می‌شود.



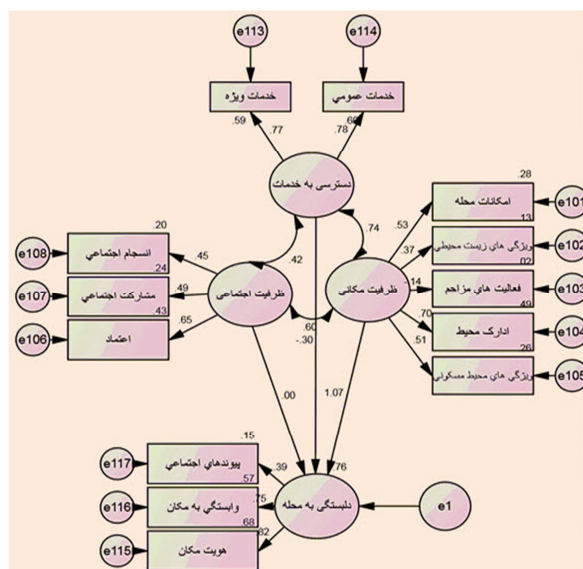
نمودار ۱ مرحله اول برازش مدل تحقیق با لحاظ کردن تمامی متغیرها



جدول ۳ شاخص‌های برازش مدل مرحله اول

شاخص‌های نیکویی برازش ^۱				
IFI	CFI	NFI	RMSEA	CMIN/DF
۰/۷۵۸	۰/۷۵۵	۰/۷۱۸	۰/۰۹۵	۵/۲۵۳

حاصل CMIN/DF هر چه کوچک‌تر باشد بیانگر برازش بهتر است و معمولاً عدد ۵ را به‌عنوان نقطه برش مورد نظر قرار می‌دهند. شاخص RMSEA نیز هر چه به صفر نزدیک‌تر باشد بیانگر برازش بهتر است. معمولاً عددی بین ۰/۰۵ - ۰/۱۰ به‌عنوان نقطه برش قرار می‌گیرد. سایر شاخص‌ها (NFI، CFI و IFI) هر چه به یک نزدیک‌تر باشد (با نقطه برش ۰/۹۰) بیانگر برازش بهتر است.



نمودار ۲ مرحله دوم برازش مدل تحقیق با حذف متغیرهای خاستگاه و امنیت اجتماعی

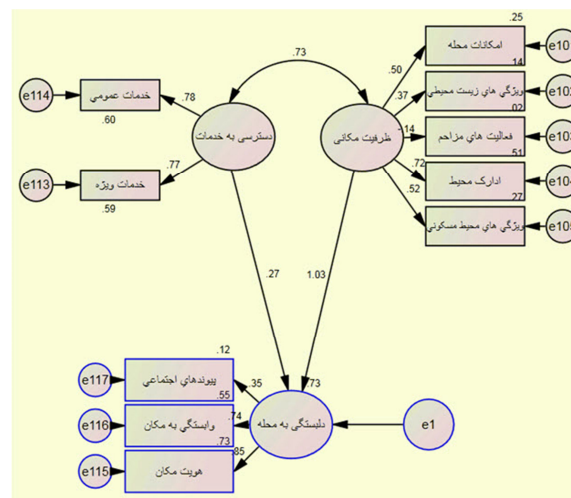
۱. CMIN/DF (خی دو تقسیم بر درجه آزادی)؛ NFI (شاخص برازش تعدیل شده)؛ CFI (شاخص برازش مقایسه‌ای)؛ IFI (شاخص برازش افزایشی)؛ RMSEA (ریشه میانگین مجذور خطای برآورد).

با این توضیح همان‌طور که ملاحظه می‌شود مدل تحقیق تا این مرحله از برازش خوبی برخوردار نیست؛ بنابراین باید متغیرهایی که براساس نتایج کمترین تأثیر را بر متغیر دلبستگی به محله دارند و به عبارتی ضریب استاندارد رگرسیون آن‌ها معنادار نیست از مدل حذف شوند. متغیرهای خاستگاه اجتماعی و امنیت اجتماعی از مدل حذف می‌شوند. مدل مرحله دوم مطابق نمودار ۲ ملاحظه می‌شود. در ادامه شاخص‌های برازش مدل در مرحله دوم در جدول ۴ مشاهده می‌شود.

جدول ۴ شاخص‌های برازش مدل مرحله دوم

شاخص‌های نیکویی برازش				
IFI	CFI	NFI	RMSEA	CMIN/DF
۰/۷۹۱	۰/۷۸۹	۰/۷۶۳	۰/۱۰۸	۶/۵۷۸

نتایج نشان می‌دهد مدل تحقیق تا این مرحله نیز با حذف دو متغیر امنیت اجتماعی و خاستگاه اقتصادی اجتماعی از برازش خوبی برخوردار نیست و باید متغیر ظرفیت اجتماعی که براساس نتایج در این مرحله، تأثیر چندانی بر متغیر دلبستگی به محله ندارد، از مدل حذف شود. مدل مرحله سوم در ادامه ملاحظه می‌شود.



نمودار ۳ مرحله سوم برازش مدل تحقیق با حذف متغیر ظرفیت اجتماعی



شاخص‌های برازش مدل در مرحله سوم در جدول ۵ مشاهده می‌شود.

جدول ۵ شاخص‌های برازش مدل مرحله سوم

شاخص‌های نیکویی برازش				
IFI	CFI	NFI	RMSEA	CMIN/DF
۰/۹۰۴	۰/۹۰۳	۰/۸۸۰	۰/۰۸۶	۴/۵۲۴

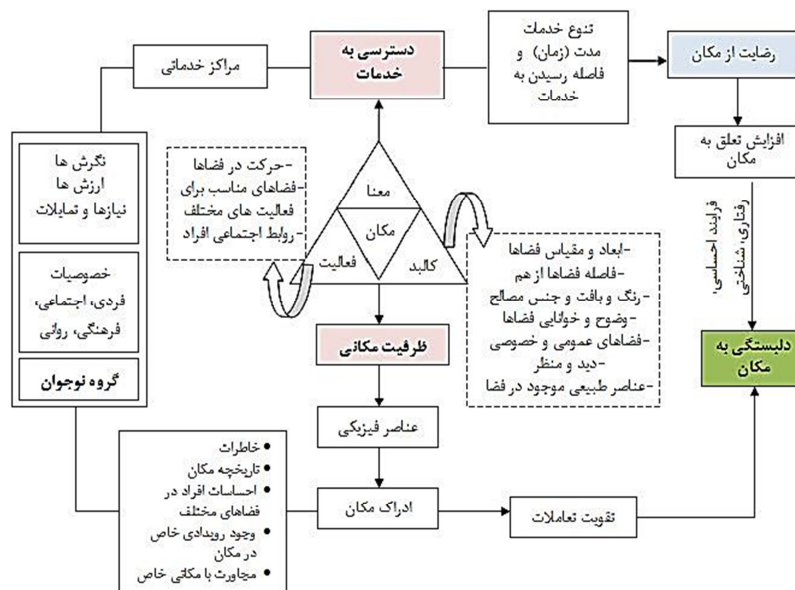
همان‌طور که در جدول ۵ ملاحظه می‌شود، در این مرحله مدل تقریباً از برازش مناسبی برخوردار است؛ بنابراین براساس برازش مدل، دو متغیر ظرفیت مکانی و دسترسی به خدمات بیشترین تأثیر را بر متغیر دلبستگی به محله دارند و ضریب استاندارد رگرسیون آن‌ها معنادار است. در پایان پس از برازش مدل تحقیق، اثر علی متغیرهای ظرفیت مکانی و دسترسی به خدمات بر متغیر دلبستگی به محله مشخص می‌شود. در جدول ۶ مقدار واریانس تبیین‌شده دلبستگی به محله توسط متغیرهای ظرفیت مکانی و دسترسی به خدمات مشاهده می‌شود.

جدول ۶ اثر علی متغیرهای ظرفیت مکانی و دسترسی به خدمات بر متغیر دلبستگی به محله

متغیرهای مستقل	متغیر وابسته	واریانس تبیین شده	اثر علی (ضریب مسیر)	C.R (T)	معناداری
ظرفیت مکانی	دلبستگی به مکان	۰/۷۳	۱/۰۳	۴/۸۷۳	۰/۰۰
دسترسی به خدمات			۰/۲۷	۲/۰۳۱	۰/۰۴۲

همان‌طور که در مدل تحلیلی و جدول ۶ نیز مشاهده می‌شود، متغیرهای ظرفیت مکانی و دسترسی به خدمات در مجموع ۷۳ درصد از واریانس متغیر دلبستگی به محله را تبیین می‌کنند. ضریب مسیر (Beta) متغیر ظرفیت مکانی برابر با ۱/۰۳ است که نشان می‌دهد کل اثر علی متغیر ظرفیت مکانی بر متغیر دلبستگی به محله برابر با ۱/۰۳ است. به عبارت دیگر به ازای یک واحد انحراف استاندارد تغییر در متغیر ظرفیت مکانی، ۱/۰۳ واحد انحراف استاندارد تغییر در همان جهت در متغیر دلبستگی به محله به وجود خواهد آمد. ضریب مسیر (Beta) متغیر دسترسی به

خدمات برابر با ۰/۲۷ است که نشان می‌دهد کل اثر علی متغیر دسترسی به خدمات بر متغیر دل‌بستگی به محله برابر با ۰/۲۷ است. به عبارت دیگر به ازای یک واحد انحراف استاندارد تغییر در متغیر دسترسی به خدمات، ۰/۲۷ واحد انحراف استاندارد تغییر در همان جهت در متغیر دل‌بستگی به محله به وجود خواهد آمد. معناداری متناظر با T برای هر دو متغیر معنادار است. این نتایج نشان می‌دهد ضرایب مسیر مشاهده‌شده معنادار بوده و قابل تعمیم به جامعه آماری است. در این پژوهش براساس یافته‌های به‌دست‌آمده از برازش مدل همان‌طور که در نمودار ۳ نشان داده شد، از دیدگاه گروه نوجوان ۱۲ تا ۱۶ ساله ساکن در شهر تهران، دو متغیر ظرفیت مکانی و دسترسی به خدمات بیشترین اثر علی را بر متغیر دل‌بستگی به مکان داشته‌اند. نمودار ۴ مدل عوامل اساسی تأثیرگذار در ایجاد حس دل‌بستگی به مکان را نشان می‌دهد.



نمودار ۴ مدل پیشنهادی نهایی فرایند دل‌بستگی به مکان از منظر گروه نوجوان
(منبع: نگارندگان)



براساس مدل ارائه شده حس دل‌بستگی به مکان برآیند تعامل چهار قطب فرد، مکان، ظرفیت مکانی و دسترسی به خدمات است. دل‌بستگی به مکان ریشه در خصوصیات و تجارب گذشته فرد دارد. در حقیقت نیازها و انتظارات فرد نسبت به مکان از یک سو و ظرفیت مکان در پاسخ‌گویی به این نیازها و انتظارات از سوی دیگر است. نکته مهم به دست آمده در این پژوهش نقش محیط و ویژگی‌های کالبدی در شکل‌گیری حس دل‌بستگی به مکان است.

نتایج نشان می‌دهد عوامل کالبدی در شکل‌گیری حس دل‌بستگی در دو سطح در محیط مؤثر است: در سطح اول، عناصر کالبدی محیط با هم‌سازی خدمات از طریق تأمین و قابلیت انجام آن- و با ارضاء نیازهای فردی این حس را از مکان فراهم می‌نمایند. در این سطح ویژگی‌های کالبدی محیط با تسهیل خدمات منطبق بر الگوهای رفتاری افراد و با تأمین نیازهای استفاده‌کنندگان از مکان، در برقراری رضایت از محیط مؤثر واقع شده و امکان ایجاد و ارتقاء تعلق به مکان را فراهم می‌کند. در سطح دوم، عناصر کالبدی محیط به عنوان عناصر شکل‌دهنده ظرفیت مکانی، از طریق تعریف محدوده و قلمرو، محصوریت فضا، تمایز کالبدی بین مکان‌ها، ارتباط بین درون و بیرون در یک مکان، خوانایی و انطباق با الگوهای رفتاری، واسطه بصری در ایجاد ارتباط ذهنی میان استفاده‌کنندگان از مکان را فراهم می‌کنند. در این سطح عناصر کالبدی، منبعث از تصاویر ذهنی افراد و ادراک آنان از محیط بوده و زمینه را برای تقویت تعاملات و پیوندها در محیط و در نهایت افزایش دل‌بستگی به مکان ایجاد می‌کند.

دسترسی به خدمات نیز در افزایش میزان دل‌بستگی نوجوانان به مکان نقش مهمی دارد. به گونه‌ای که تنوع خدمات، کاهش زمان و فاصله رسیدن به خدمات منجر به بالا رفتن میزان رضایت‌مندی از مکان و افزایش تعلق به آن می‌شود. این حس از یک سو وابسته به مشخصات و ویژگی‌های فردی شامل انگیزش‌ها، شایستگی‌ها و شناخت افراد نسبت به مکان بوده و از سوی دیگر ریشه در تعامل فرد با مکان جهت برآورده کردن نیازهای او در محیط دارد و در صورت تأمین نشدن این نیازها از مکان، احساس عاطفی مثبتی بین فرد و مکان به وجود نخواهد آمد. هر اندازه محیط در تأمین سطوح مختلف نیازهای انسانی توانا تر باشد، به همان نسبت فرد ارتباط خود با محیط را مؤثر دانسته و در نهایت معنای استنباطی مثبتی از آن تلقی خواهد کرد. در مجموع جهت بالا بردن میزان دل‌بستگی نوجوانان، با توجه به آن‌که متغیرهای ظرفیت مکانی و

دسترسی به خدمات بیشترین میزان از واریانس متغیر دلبستگی به محله را تبیین می‌کنند، این دو متغیر اولویت اصلی تحقیق حاضر به شمار می‌روند و واکاوی این دو مقوله در ارتقاء دلبستگی نوجوانان در محله‌های شهری بسیار ضروری به نظر می‌رسد.

۵- نتیجه‌گیری

هدف این مقاله بررسی تأثیر عوامل ظرفیت اجتماعات محلی بر دلبستگی به مکان بوده است. بدین‌منظور سه مدل مفروض از روابط میان چهار متغیر اصلی تحقیق با کمک روش مدل‌سازی معادلات ساختاری بررسی و تبیین شد. براساس نتایج به‌دست‌آمده از آخرین برازش مدل در مرحله سوم می‌توان بیان کرد رابطه میان متغیرهای باقی‌مانده از مدل، به صورت علی و مستقیم است. ظرفیت مکانی و دسترسی به خدمات به‌صورت مستقیم بر دلبستگی به مکان تأثیرگذار هستند، بنابراین براساس نتیجه به‌دست‌آمده می‌توان نقش ظرفیت‌های مکانی را در بالا رفتن حس دلبستگی به مکان نسبت به ظرفیت‌های اجتماعی از منظر گروه نوجوان مورد تأیید قرار داد. هر چه میزان ظرفیت‌های مکانی و دسترسی به خدمات در محلات شهر تهران بیشتر باشد، دلبستگی به مکان نیز افزایش پیدا می‌کند. در این میان، برای بالابردن میزان دلبستگی نوجوانان، با توجه به آن‌که متغیرهای ظرفیت مکانی و دسترسی به خدمات در مجموع ۷۳ درصد از واریانس متغیر دلبستگی به محله را تبیین می‌کنند، این دو متغیر اولویت اصلی تحقیق حاضر به شمار می‌روند و واکاوی این دو مقوله در ارتقاء دلبستگی نوجوانان در محله‌های شهری بسیار ضروری به نظر می‌رسد؛ بنابراین توجه به ظرفیت مکانی از جمله نقش محیط و فضاهای باز نظیر فضاهای بازی، بوستان‌های محلی، عرصه‌های نیمه عمومی- نیمه خصوصی و همسایگی در ادراکات و رفتارهای نوجوانان از جمله رشد خلاقیت آنان بسیار تأثیرگذار است. شاخص دسترسی نیز وابسته به تعیین برابری دسترسی به زیرساخت‌های اجتماعی و فیزیکی است که نمودی از کیفیت زندگی و توزیع فرصت‌ها بوده و فاصله عامل تأثیرگذاری بر کیفیت زندگی در بخش‌های مختلف شهر است، زیرا سبب تغییر در دسترسی فیزیکی به فرصت‌ها و خدمات شهری از جمله کار، خرید، مدرسه، درمانگاه، پارک و مراکز ورزشی می‌شود. با توجه به ماهیت مهم محیط کالبدی و فیزیکی در بروز رشد و خلاقیت افراد، می‌توان انتظار داشت آماده‌سازی فضاهای باز محله‌ای و همسایگی برای حضور و تعامل فعال



نوجوانان بتواند زمینه را برای ارتقاء حس دلبستگی شان از محیط افزایش دهد.

۶- منابع

- پوراحمد، احمد و ایرج قاسمی، «مدل سازی معادلات ساختاری در برنامه ریزی شهری»، سپهر، ش ۱۹، صص ۱۵-۱۰، ۱۳۸۹.
- خدائی، زهرا، «تبیین ظرفیت اجتماعات محله ای (اجتماعی - مکانی) از منظر گروه نوجوان در شهر تهران»، رساله دکتری شهرسازی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۹۴.
- دانشپور، عبدالهادی، منصور سپهری مقدم و مریم چرخیان، «تبیین مدل دلبستگی به مکان و بررسی عناصر و عوامل مختلف آن»، هنرهای زیبا، ش ۳۸، صص ۴۸-۳۷، ۱۳۸۸.
- دواس، دی. ای، پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نابی، تهران: نشرنی، ۱۳۸۳.
- شوماخر، راندال. ای و ریچارد جی. لومکس، مقدمه ای بر مدل سازی معادله ساختاری، ترجمه وحید قاسمی، تهران: جامعه شناسان، ۱۳۸۸.
- Altman, I., & S. Low, *Place attachment*, New York: Plenum Press, 1992.
- Arefi, M. *Asset-based Approaches to Community Development*, UN-HABITAT, 2008.
- Bonaiuto, M., F. Fornara & M. Bonnes, "Indexes of Perceived Residential Environment Quality and Neighborhood Attachment in Urban Environments: a Confirmation Study on the City of Rome". *Landscape and Urban Planning*, No. 65, pp. 41-52, 2003.
- Browne, M. & R. Cudeck, *Alternative Ways of Assessing Model Fit*. K. Bollen. In *Testing Structural Equation Models*, Newbury Park, CA: Sage Publication, pp. 136-162, 1993.
- Chapman, M. & K. Kirk, *Lessons for Community Capacity Building: A Summary of Research Evidence*, Edinburgh: Scottish Homes, 2001.
- Daneshpour, A., M. Sepehriye Moghadam & M. Charkhian, "Explaining Place Attachment and Reviewing the Various Elements of it", *Journal of Fine Art*, No. 38, pp. 37-48, 2009. (in Persian)
- De Vaus, D. A., *Surveys in Social Research*, Translator: H. Nayebi, Tehran:

- Nashre Ney, 2004. (in Persian)
- Fried, M., "Residential Attachment: Sources of Residential and Community Satisfaction". *Journal of Social Issues*, No. 38, pp. 107-119, 1982.
 - Kamalipour, H., A. Jeddi Yeganeh & M. Alalhesabi, "Predictors of Place Attachment in Urban Residential Environments: A Residential Complex Case Study", *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, No. 35, pp. 459-467, 2012.
 - Khodaei, Z., *Explaining the Capacities of Socio-Spatial Urban Public Environments from the View of Teenager Group in Tehran*, PhD thesis of Urban Planning, Tarbiat Modares University, Tehran, 2015. (in Persian)
 - Livingston, M., N. Bailey & A. Kearns, *People's Attachment to Place: the Influence of Neighbourhood Deprivation*, Project Report. Chartered Institute of Housing/Joseph Rowntree Foundation, Coventry, 2008.
 - Pourahmad, A. & E. Ghasemi, "Structural Equation Modeling in Urban Planning", *Journal of Sepehr*, No. 19, pp. 10-15, 2010. (in Persian)
 - Proshansky, H., A. K. Fabian, & R. Kaminoff, "Place Identity: Physical World Socialization of the Self", *Journal of Environmental Psychology*, No. 3, pp. 57-83, 1983.
 - Schumacker, R. E. & R. G. Lomax, *A Beginner's Guide to Structural Equation Modeling*, Translator: V. Ghasemi, Tehran: Jamehshenasan, 2009. (in Persian)
 - Verity, F., *Community Capacity Building –A Review of the Literature*, Department of Health, 2007.